

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۹ دسمبر ۲۰۲۲

## بازگشت طالب قندهاری از هلمند، یعنی چه؟

یکشنبه- ۲۷ قوس ۱۴۰۱ - کابل: از طریق رسانه ها مطلع شدیم که به تاریخ ۲۴ قوس یعنی سه روز قبل، حدود ۳۰۰ تن از نیروهای نظامی طالب اهل قندهار که در ولایت همجوار هلمند فعالیت داشتند، قهرگونه آنجا را ترک نموده، به ولایت خودشان قندهار برگشتند. این را هم می دانیم که این حرکت از جانب اکثر نویسندگان و قلم به دستان، به مثابه علامت "فروپاشی طالب از درون" شناسائی و مورد بحث قرار گرفت. در این یادداشت امروز خواهم کوشید تا به آن حرکت از منظر دیگری نظر ببیندازم:

۱- با در نظر داشت این که آغاز مبارزه نیروهای وابسته به طالب علیه اشغالگران امریکائی و شرکاء از ولایت هلمند و ولسوالی سنگین آن ولایت آغاز یافت و تا آخرین روز سقوط حاکمیت پوشالی و انتقال سازمانیافته حاکمیت به طالب، ولایت هلمند در کل به مثابه مرکز تسخیر ناپذیر مقاومت علیه اشغالگران شناخته می شد، نفس این که در چنان ولایتی، نیروی حاکم طالب جهت حفظ امنیت افرادی از ولایات همجوار آن بیاورد، سوآلی را خلق می نماید که پس باشندگان خود آن ولایت کجا هستند؟ آنهایی که تا دیروز جهت تخریب حاکمیت پوشالی به صد ها تن خود را قربان می نمودند، امروز برای تثبیت حاکمیت خودشان کجا هستند و چه عامل باعث شده است که برای تأمین امنیت از بیرون نفر بیاورند؟ آیا همه آنها طی اینهمه سال از بین رفته اند؟ آیا بر مبنای سابقه مبارزات شان، به مقاماتی گماشته شده اند که دیگر پاسداری و تأمین امنیت برای شان خشره کاری و دور از شأن شان شمرده می شود؟ و یا افرا آنها در محل و جای دیگری مشغول سرکوب می باشند؟

۲- این که ۳۰۰ تن از یک ولایت و احتمالاً از یک قوم به محلی جهت انجام وظیفه اعزام می گردد، بیانگر آن است که طالب خلاف تمام ادعاهایش تا هنوز قادر نشده، ساختار نظامی اش را از مرض لشکر منطقه ئی و قومی نجات دهد. این یعنی نیروئی را که ما به نام نیروی نظامی طالب می شناسیم، در واقعیت امر نیروی طالب نیست که بر مبنای تعهداتش به نظام ملاسالار سازماندهی شده باشد، بلکه نیروئی است از یک شاخه قومی و منطقه ئی، که بر مبنای تعهدات قومی و منطقه ئی اکنون به نفع طالب تفنگ گرفته است. فردائی که آن ائتلاف قومی و منطقه ئی که عمدتاً به وسیله رؤسای قومی تأمین می گردد، به هم بخورد دیگر از آنهمه لشکر طالب، هیچ یک در سنگر باقی نخواهند ماند.

هموطنان گرامی!

تجربه نشان داده است مادامی که حاکمیت و دولت ها، ارتش و اردوی خودشان را مستقل از ترکیبات قومی و منطقه‌ئی به وجود نیاورده اند و تکیه آنها بر لشکر های قومی و منطقه‌ئی بوده است، همیشه احتمال گسستن و پارچه پارچه شدن شیرازه همچو اردوهای وجود داشته است. یعنی کافیتست که در یک موقعیت حساس، سران منطقه‌ئی و قومی، مناسبات شان با حاکمیت دولتی به هم بخورد و با تمام نیروی شان، صف حاکمیت را ترک بگویند و در اوج پیروزی حاکمیت را به شکست بکشانند.

۳- قهرکردن نیروهای قندهاری و برگشتن شان به خانه از هلمند، یعنی همسایه در به دیوارشان که از لحاظ قومی اکثر آنها متعلق به یک شاخه قومی درانی ها هستند، بیانگر آن است که با تأسف به اساس جنگهای ۴ دهه اخیر، لوکالیسم و منطقه گرایی چنان در تار و پود وجود ما ریشه دوانیده که حتا قادر نیستم برادران خود را نیز تحمل نمائیم تا چه رسد به پسران کاکا و یا قوم و اقارب دورتر.

۴- بازگشت نیروهای قندهاری از هلمند، نکته دیگری را که عیان می سازد موجودیت و مناسبات جنگ سالارانه مخفی بین نیروهای طالب و نظام ملاسالار می باشد. یعنی خلاف تمام ادعاهائی که طالب و نظام ملاسالار در قسمت از میان برداشتن مناسبات جنگ سالارانه و جزایر قدرت می نماید، نفس حرکت قندهاری ها و بازگشت شان به خانه، نشان می دهد که تا هنوز هم مناسبات جنگسالارانه در درون نظام ملاسالار وجود دارد و هم قدرت های تصمیم گیرنده پراکنده که می توانند به خواست خود، صد ها تن را از پیکر اردوی طالب به اینطرف و آنطرف سوق دهند.

هموطنان گرامی!

از تمام نکات فوق بر می آید که نیروهای انقلابی و مترقی حین مواجهه با نیروهای وابسته به نظام ملاسالار، نباید بپندارند که با یک نیروی واحد و یک مشت محکم ایدئولوژیک طرف اند، بلکه می باید متوجه درز ها و شقاق هائی باشند که ممکن در دراز مدت به درد نیروهای انقلابی بخورد، و در همه حالت از آنها به نفع مردم و کشور استفاده لازم بنمایند.

**مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل**

**و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد**

**تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!**